



## Evaluation of Effective Components on Good Rural Governance from the Perspective of Experts and Thinkers

Jassem golabifar<sup>1</sup>, Ali Akbar Barati<sup>2\*</sup> and khalil kalantari<sup>3</sup>

### Article history:

Submitted: 15 May 2022

Revised :13 June 2022

Accepted: 3 July 2022

Available Onlin: 2 December 2022

### How to cite this article:

golabifar, J., Barati, A.A., and kalantari, Kh. 2023. Evaluation of Effective Components on Good Rural Governance from the Perspective of Experts and Thinkers. Rural Development Strategies, 10(2): 119-135.

DOI: 10.22048/rdsj.2022.338514.2014

### Abstract

Access to food is one of the most important components of food security, which plays an important role in food security. Access to food has three main components including physical, economics and stability. The present study investigated the access of rural households to food in Shavoor village. The statistical population of the study consisted of all rural households in this district (N = 2624). The sample size of 300 households was determined based on stratified sampling method with proportional assignment. The data collection tool was a questionnaire. To measure access to food, based on the UN MPI, a standard index was developed whose value was between zero and one. This method was a methodological innovation of the study. Findings showed that about 23% of rural households have a good access to food. Among three main components, economic and stability access have had the more contribution in access to food index. Disability to food supply resources and centers, lack of self-production and severe fluctuations in food prices are the most important causes for reducing the rural households access to food. Accordingly, it was suggested that improvement of ICT infrastructures will provide better condition to access of rural community to food. Promoting a culture of self-production and saving is another suggestion to improve the resilience of rural households to food price fluctuations.

**Keywords:** Access to food, Food security, Food deprivation, Shavoor area.

1- M.Sc. Student of Rural Development, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran

2- Assistant Professor, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran, Iran

3- Professor, Faculty of Economics and Agricultural Development, University of Tehran



Corresponding Email: [aabarati@ut.ac.ir](mailto:aabarati@ut.ac.ir)

© 2022, University of Torbat Heydarieh. This is an open-access article distributed under the terms of the Creative Commons Attribution License (<http://creativecommons.org/licenses/by/4.0>).

## مقاله پژوهشی

# بررسی وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در دهستان شاور

جاسم گلابی فر<sup>۱</sup>، علی اکبر براتی<sup>۲\*</sup> و خلیل کلانتری<sup>۳</sup>

تاریخ دریافت: ۲۵ اردیبهشت ۱۴۰۱

تاریخ بازنگری: ۲۳ خرداد ۱۴۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۲ تیر ۱۴۰۱

## چکیده

دسترسی به غذا یکی از مهم‌ترین اجزای امنیت غذایی است که نقش مهمی در تحقق امنیت غذایی هر جامعه‌ای دارد. دسترسی به غذا دارای سه مؤلفه اصلی شامل دسترسی فیزیکی، اقتصادی و تداوم دسترسی است. مطالعه حاضر به بررسی وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در دهستان شاور پرداخته است. جامعه آماری تحقیق را کلیه خانوارهای روستایی این دهستان تشکیل داده‌اند (N=۲۶۲۴). حجم نمونه مورد مطالعه ۳۰۰ خانوار تعیین شد که بر اساس روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب گزینش شد. ابزار گردآوری داده‌ها پرسشنامه محقق ساخته بود. برای سنجش سطح دسترسی به غذا در سطح جامعه مورد مطالعه، با الهام از روش تعیین شاخص فقر چند بعدی سازمان ملل، یک شاخص استاندارد طراحی شد که قادر بود وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا را به صورت یک نمره استاندارد بین صفر تا یک ارزیابی نماید. این مسئله نوآوری روش‌شناسی تحقیق حاضر بود. یافته‌های حاصل از تحقیق نشان داد که تنها ۲۳ درصد از خانوارهای روستایی دهستان شاور از دسترسی مطلوب به غذا برخوردار هستند. در میان مؤلفه‌های دسترسی به غذا مؤلفه دسترسی اقتصادی و تداوم دسترسی از وضعیت نامطلوب‌تری برخوردار است. ناتوانی منابع و مراکز تأمین اقلام غذایی در سطح روستا، عدم خودتولیدی خانوارهای روستایی به دلیل غلبه فرهنگ مصرفی شهری و نوسانات شدید قیمت اقلام غذایی از مهم‌ترین علل کاهش سطح دسترسی به غذا هستند. بر همین اساس پیشنهاد می‌گردد از طریق توسعه زیرساخت‌های اطلاعاتی، ارتباطی و حمل و نقل زمینه دسترسی بهتر و بیشتر جامعه روستایی به اقلام غذایی فراهم شده و همچنین با ترویج فرهنگ خودتولیدی و پس‌انداز خانوارهای روستایی زمینه بهبود تاب‌آوری آنها در مقابل نوسانات قیمت بیش از پیش فراهم گردد.

**کلمات کلیدی:** دسترسی به غذا، امنیت غذایی، محرومیت از غذا، دهستان شاور.

۱ - دانشجوی کارشناسی ارشد توسعه روستایی دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

۲ - استادیار دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

۳ - استاد دانشکده اقتصاد و توسعه کشاورزی، دانشگاه تهران

\*-نویسنده مسئول: [aaabarati@ut.ac.ir](mailto:aaabarati@ut.ac.ir)

## مقدمه

دسترسی به غذای کافی و سالم در هر زمان و مکانی از حقوق مسلم اولیه انسان‌ها بوده و می‌بایست تأمین نیازهای غذایی مردم از مهمترین هدف‌های دولت‌ها به شمار آید (رحیمی مقدم و همکاران، ۱۳۹۴). دسترسی به غذا، به مفهوم دسترسی فیزیکی و اقتصادی به منابع، برای تأمین اقلام غذایی مورد نیاز جامعه است، این دسترسی زمانی میسر می‌شود که خانوارها و افراد، منابع کافی برای رژیم غذایی مناسب داشته باشند (پاکروان و همکاران، ۱۳۹۴). بر اساس گزارش سازمان خواربار و کشاورزی، ۸۴۲ میلیون نفر در بین سال‌های ۲۰۱۱-۲۰۱۳ دچار سوء تغذیه جدی بوده‌اند که این تعداد ۱۲ درصد جمعیت جهان را تشکیل می‌دهد (فائو، ۲۰۱۴). همچنین در حال حاضر در سراسر جهان صدها میلیون نفر وجود دارند که از سطح قابل قبولی از امنیت غذایی برخوردار نیستند و خطر جدی برای تغذیه بیش از ۹ میلیارد نفر تا سال ۲۰۵۰ وجود دارد (جمینی و همکاران، ۱۳۹۶) این در حالی است که با وجود اینکه میلیون‌ها دلار از سوی دولت‌ها و آژانس‌های کمک‌دهنده بین‌المللی به کشورهای در حال توسعه مانند اتیوپی، برای نظارت بر مشکل ناامنی غذایی و گرسنگی داده شده است، اما ناامنی غذایی هنوز هم یکی از نگرانی‌های بسیاری از این کشورها در سراسر جهان است. حدود ۹۸٪ افرادی که در جهان با ناامنی غذایی و سوء تغذیه مواجه هستند، همچنان در کشورهای در حال توسعه زندگی می‌کنند. البته، تمامی کشورها به درجات مختلف با مشکل ناامنی غذایی دست و پنجه نرم می‌کنند، اما شدت ناامنی غذایی در کشورهای در حال توسعه در قیاس با کشورهای توسعه‌یافته به مراتب بیشتر است. وجود این تعداد گرسنه در

جهان باعث شده که بانک جهانی و فائو هدف توسعه هزاره سوم را امنیت غذایی معرفی نماید (کوهی و همکاران، ۱۳۹۳). با توجه به اینکه بخش عظیمی از فقرا، به ویژه در کشورهای در حال توسعه، در مناطق روستایی زندگی می‌کنند، بهبود و ارتقاء امنیت غذایی خانوارهای روستایی یک هدف بسیار مهم در کشورهای در حال توسعه به حساب می‌آید (سینیلو و همکاران، ۲۰۱۴). همچنین بررسی داده‌ها و مطالعات مختلف نشان می‌دهد که وضعیت امنیت غذایی، به ویژه در نواحی روستایی ایران، همچنان یک چالش اساسی است. به عنوان نمونه بر اساس نقشه جهانی امنیت غذایی منتشر شده در سال ۲۰۰۸، کشور ایران جزء مناطق پر خطر قرار گرفته است. در این نقشه تقسیم‌بندی کشورها در طیف بسیار پرخطر، پرخطر، با خطر متوسط و کم‌خطر بوده است (حمزه و دمار، ۱۳۹۶).

روستایی و همکاران (۱۳۹۳) معتقدند نداشتن امنیت غذایی و سوء تغذیه، بیشتر حاصل فقر است تا مشکل تولید و با اینکه در عرضه محصولات غذایی وضعیت کشور خوب است، دسترسی فیزیکی و اقتصادی جامعه روستایی به مواد غذایی چندان مناسب نیست و نزدیک به ۳۰ درصد جامعه روستایی امنیت غذایی ندارند. این امر نه تنها بر سلامت جسمی و روحی روستاییان اثر منفی می‌گذارد بلکه بر توسعه کشاورزی که نیازمند فعالیت‌های جسمی بیشتر و کارکرد مطلوب ذهنی و سلامت روستاییان است، اثر منفی می‌گذارد (حسینی و همکاران، ۱۳۹۲). به نظر می‌رسد در دسترس نبودن غذای کافی، ناآگاهی و عادت‌های نادرست غذایی، باعث شده است که وضعیت امنیت غذایی در جوامع روستایی بدتر از جوامع شهری باشد. در حال حاضر، اگر چه نسبت جمعیت روستایی به شهری در ایران به حدود ۲۵ درصد رسیده است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۵)، اما جامعه روستایی

دسترسی خانوارهای روستایی دهستان شاور به غذا در هر یک از مؤلفه‌های آن، ضمن ارائه تصویری روشن از وضعیت سطح دسترسی به غذا به عنوان اصلی‌ترین جنبه امنیت غذایی، به مواجهه هدفمند با این پدیده در سطح مناطق روستایی کمک نماید. بدون شک، نتایج این تحقیق با مشخص نمودن وضعیت فعلی دسترسی خانوارهای روستایی به غذا می‌تواند برنامه‌ریزان و سیاستگذاران حوزه توسعه را در راستای تحقق این هدف یاری نماید.

از آنجا که دامنه موضوعی و تعداد مطالعات انجام شده در زمینه دسترسی به غذا و امنیت غذایی بسیار زیاد است، در این بخش سعی شده تا صرفاً به مطالعاتی اشاره گردد که نزدیکی و قرابت بیشتری با موضوع پژوهش حاضر داشته است. مطالعات این حوزه عمدتاً سه مسیر را در پیش گرفته‌اند. الف) مطالعاتی که صرفاً به ارزیابی وضعیت سطح دسترسی به غذا یا امنیت غذایی پرداخته‌اند، ب) مطالعاتی که صرفاً به بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی یا سطح دسترسی به غذا پرداخته‌اند و در نهایت ج) مطالعاتی که با رویکردی تلفیقی هم سطح امنیت غذایی را بررسی نموده و هم به مطالعه عوامل مؤثر بر آن پرداخته‌اند. از جمله مطالعات گروه اول می‌توان به مطالعه نورد و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۰) اشاره نمود. این مطالعه با سنجش وضعیت امنیت غذایی خانوارهای آمریکایی به این نتیجه رسیدند که ۸۵ درصد از خانوارهای آمریکایی دارای امنیت غذایی و ۱۵ درصد در شرایط ناامنی غذایی قرار دارند. مؤلفه اصلی عدم امنیت غذایی در بین این خانوارها، عدم دسترسی اقتصادی خانوارها به منابع درآمدی جهت خرید مواد غذایی بوده است. یکی دیگر از مطالعات در این گروه مطالعه اکپالو و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۱۸) است. آنها با بررسی وضعیت دسترسی خانوارهای مورد مطالعه به غذا و رفاه ذهنی در

همچنان بیش از دو سوم مواد غذایی مورد نیاز جامعه را تأمین نموده و نقش قابل توجهی در تأمین امنیت غذایی کشور ایفا می‌کند. در چنین وضعیتی سؤال اصلی این است که وضعیت دسترسی جوامع روستایی به غذا در هر یک از مؤلفه‌های اصلی آن (فیزیکی، اقتصادی و تداوم دسترسی) چگونه است؟ بدون شک پاسخ به این سؤال کمک خواهد نمود تا سیاستگذاران و برنامه‌ریزان حوزه سلامت بتوانند به صورت هدفمند بر حوزه‌هایی تمرکز نمایند که از وضعیت بدتری نسبت به دیگر حوزه‌ها برخوردار است.

اهمیت پرداختن به این موضوع به ویژه از این جهت است که وضعیت دسترسی به غذا و امنیت غذایی در نواحی روستایی کشور نسبت به نواحی شهری بدتر است و بخش مهمی از این مسئله معلول دسترسی نامناسب فیزیکی و اقتصادی به مواد غذایی است. به عنوان نمونه، براساس مطالعه‌ای که توسط پاکروان چروده و همکاران (۱۳۹۹) تحت عنوان شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با امنیت غذایی خانوارهای مناطق شهری و روستایی استان خوزستان انجام شده است، نتایج این مطالعه نشان داد که ۳۷ درصد از خانوارهای مناطق شهری استان خوزستان دارای امنیت غذایی و ۶۳ درصد از این خانوارها دچار درجات مختلفی از ناامنی غذایی بوده‌اند. ۳۲ درصد از خانوارهای مناطق روستایی در این استان نیز دارای امنیت غذایی و ۶۸ درصد از این خانوارها دچار درجات مختلفی از ناامنی غذایی هستند. همچنین، با وجود اینکه مردم ساکن در نواحی شهری شهرستان شوش دارای امنیت غذایی بالاتری نسبت به مردم شهری سایر شهرستان‌های استان هستند، مناطق روستایی این شهرستان همچنان از سطح بسیار بالایی از ناامنی غذایی برخوردار هستند (۵۹ درصد). این مسئله خود حاکی از عدم وجود امنیت غذایی و نیز عدم دسترسی کافی به غذا در بین روستاییان این شهرستان دارد.

در این مطالعه سعی بر آن است تا به ارزیابی وضعیت سطح

1- Nord  
2- Akpalu

کشور غنا، نشان دادند که خانوارهایی که هیچ حمایتی دریافت نمی‌کنند به غذای کافی دسترسی ندارد. آنها به درآمد و پول بیشتر برای تهیه غذا نیاز دارند تا به همان سطح از دسترسی و کیفیت مواد غذایی که هم‌تایان خود دارند، دسترسی پیدا کنند. به عبارت دیگر مشکل آنها عمدتاً از جنس دسترسی اقتصادی به غذا و عدم تداوم آن بوده است. در همین گروه از مطالعات می‌توان به مطالعه اصغریان دستتایی و همکاران (۱۳۹۲) نیز اشاره نمود. آنها ضمن مطالعه تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی در میان خانوارهای گندم‌کار شهرستان کیار در استان چهارمحال و بختیاری، نشان دادند که سرانه درآمد کل، تعداد اعضای خانوار دارای شغل و میزان مالکیت ماشین‌های کشاورزی از جمله تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی در بین خانوارهای روستایی می‌باشند.

اما همان‌گونه که اشاره شد گروه دوم از مطالعات تمرکز خود را بر بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی یا سطح دسترسی به غذا گذاشته‌اند. از جمله این مطالعات عبارتند از مطالعه فورونگ و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۲۲) تحت عنوان تجزیه و تحلیل چند مقیاسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در چین (۱۹۸۰-۲۰۱۷) بوده است که نتایج این مطالعه ناهمگونی بیشتری را در امنیت غذایی در مقیاس کوچکتر نسبت به مقیاس بزرگتر نشان داد. عوامل کلیدی مؤثر بر امنیت غذایی به طور قابل ملاحظه‌ای در مقیاس‌های مختلف متفاوت بود: ارزش افزوده صنعت ثالث بر سطح استان غالب بود و ارزش تولید ناخالص کشاورزی عامل اصلی در سطوح استانی و ملی بود. تحقیقات چند مقیاسی می‌تواند وضعیت و عوامل اولیه امنیت غذایی را آشکار کند و مبنای تصمیم‌گیری برای بهبود امنیت غذایی منطقه‌ای فراهم کند. دهقان و همکاران<sup>۲</sup> (۲۰۲۱) به بررسی امنیت غذایی خانوارهای

روستایی ایران و عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر آن پرداختند. نتایج شاخص امنیت غذایی نشان داد که خانوارهای روستایی ایران عموماً در سطوح متوسط قرار دارند، زیرا مقادیر شاخص امنیت غذایی در ۵۳/۱۲ درصد از خانوارهای روستایی بالاتر از میانگین و در ۴۶/۸۸ درصد از آنها کمتر از میانگین بوده است. نتایج مربوط به مدل لاجیت نیز نشان داد که درآمد مزرعه، درآمد غیرکشاورزی، سن، جنسیت، سطح تحصیلات، وضعیت اشتغال و وضعیت مالکیت خانه سرپرستان خانوار تأثیر مثبت و معناداری بر امنیت غذایی خانوارها دارد. همچنین بعد خانواده و وضعیت تأهل سرپرستان خانوار تأثیرات منفی بر امنیت غذایی داشت لین و همکاران<sup>۳</sup> (۲۰۱۸) که با بررسی نقش قیمت مواد غذایی و دسترسی به غذا در تعیین خرید مواد غذایی خانوارهای کم‌درآمد نشان دادند که قیمت‌ها و درآمد خانوارها تعیین‌کننده اصلی خرید مواد غذایی هستند. همچنین آنها به این نتیجه رسیدند که دسترسی به سوپر مارکت‌ها و مراکز فروش مواد غذایی تأثیر کمی بر خرید مواد غذایی توسط خانوارها دارد. در همین گروه، (آنژینو و همکاران<sup>۴</sup>، ۲۰۱۶) با بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی و دسترسی به آن، در بین خانوارهای کشاورز شهری و روستایی، نشان داد که درآمد خانوار و اندازه مزرعه رابطه مثبت با دسترسی به امنیت غذایی و سن سرپرست خانوار و بعد خانوار رابطه منفی با دسترسی به امنیت غذایی دارند. این مطالعه در ایالت بنوی نیجریه انجام شد. پور قاسمی و همکاران (۱۳۹۲) نیز نشان دادند که عواملی نظیر قیمت مواد غذایی، تحصیلات سرپرست خانوار و بعد خانوار از مهم‌ترین عوامل مؤثر بر وضعیت تغذیه و سطح دسترسی خانوارهای روستایی به غذا هستند.

در نهایت گروه سوم مطالعات سعی نموده‌اند تا با در پیش

3- Lin  
4- Anjeinu

1- Furong  
2- Dehghan

گرفتن رویکردی تلفیقی وضعیت امنیت غذایی یا سطح دسترسی به غذا را در کنار عوامل مؤثر بر آن مورد مطالعه قرار دهند. به عنوان مثال، مطالعه بشیر و همکاران<sup>۱</sup> (۲۰۱۲) یا سواری و همکاران (۱۳۹۳) از این گروه مطالعات هستند. در مطالعه اول، محققین ضمن مطالعه عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی نشان دادند که ۲۶ درصد از خانوارهای مورد مطالعه، دسترسی کافی به غذا نداشته و از نظر امنیت غذایی در وضعیت مطلوبی قرار ندارند. به عقیده آنها، درآمد ماهیانه، دارایی‌های دامی و بعد خانوار از تعیین‌کننده‌های اصلی امنیت غذایی و دسترسی به غذا می‌باشند. سواری و همکاران (۱۳۹۳) نیز در مطالعه خود به تحلیل وضعیت امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در میان جامعه روستایی شهرستان دیواندره پرداختند و به این نتیجه رسیدند که امنیت غذایی و دسترسی به گروه‌های مختلف غذایی در بین خانوارهای مورد مطالعه در وضعیت مطلوبی قرار ندارد. آنها با استفاده از تحلیل همبستگی نشان دادند که بین درآمد خانوار، تعداد شاغلان خانوار، فاصله محل سکونت تا شهر و مراکز خرید، بعد خانواده، مقدار زمین زراعی و باغی تحت تملک خانواده، تحصیلات سرپرست خانواده و امنیت غذایی همبستگی وجود دارد. آنها همچنین با انجام تحلیل رگرسیون نشان دادند که سه متغیر درآمد خانوار، سطح تحصیلات سرپرست و دارا بودن نظام تولیدی مختلط، می‌توانند تا ۶۲/۱ درصد از واریانس متغیر وابسته تحقیق (یعنی سطح امنیت غذایی) خانوار را تبیین کنند. تنهایی و همکاران (۱۳۹۴)، نیز با مطالعه وضعیت امنیت غذایی در مناطق روستایی شهرستان مرودشت استان فارس به بررسی وضعیت آن در میان گروه‌های درآمدی مختلف پرداخته و نشان دادند که در میان خانوارهای ساکن در مناطق روستایی، تنوع غذایی خاصی مشاهده نشده و کلیه گروه‌های درآمدی از نظر دسترسی و تنوع غذایی از

وضعیت نسبتاً مشابهی برخوردار هستند. چراغی و همکاران (۱۳۹۵)، نیز به بررسی نقش درآمدهای غیرکشاورزی در امنیت غذایی در میان خانوارهای روستایی شهرستان زنجان پرداخته برای محاسبه میزان امنیت غذایی از مقیاس ناامنی غذایی استفاده نموده و به این نتیجه رسیدند که ۳۱/۳۷ درصد خانوارها دارای امنیت غذایی، ۴۳/۱ درصد دارای ناامنی غذایی بدون گرسنگی، ۱۵/۵۲ درصد دارای ناامنی غذایی با گرسنگی متوسط و ۹/۶۵ درصد خانوارها نیز دارای ناامنی غذایی با گرسنگی شدید می‌باشند. هاشمی تبار و همکاران (۱۳۹۷) با تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی جنوب کرمان نشان دادند که وضعیت امنیت غذایی خانوارهای روستایی، تنوع غذایی و دسترسی آنها به گروه‌های غذایی در بین خانوارهای مورد مطالعه نامطلوب است. بر اساس یافته‌های این پژوهش الگوی مصرفی خانوار به لحاظ کیفیت تغذیه و تنوع، به ویژه در گروه‌هایی مثل لبنیات می‌بایست تغییر نماید. آنها با استفاده از تحلیل لاجیت نتیجه گرفتند که متغیرهای جنسیت و تحصیلات سرپرست خانوار، بعد خانوار، سن سرپرست خانوار، داشتن درآمد ماهیانه ثابت و وضعیت تملک منزل مسکونی بر سطح امنیت غذایی مؤثر بوده است.

همان‌گونه که مشهود است مطالعات مختلف اگر چه با بهره‌جستن از شیوه‌های مختلف سعی نموده‌اند وضعیت امنیت غذایی یا سطح دسترسی به غذا و عوامل مؤثر بر آن را مورد تحلیل قرار دهند، اما هیچ کدام نتوانسته‌اند تصویری روشن از وضعیت مؤلفه‌ها و نشانگرهای امنیت غذایی ارائه دهند. بر همین اساس در این مطالعه سعی شده است تا ضمن ارائه و پیشنهاد یک روش و شاخص برای اندازه‌گیری سطح دسترسی به غذا به عنوان اصلی‌ترین جنبه از امنیت غذایی، وضعیت این شاخص را در سطح خانوارهای روستایی دهستان شاور ارزیابی نموده و سهم و نقش هر یک از این ابعاد یا مؤلفه‌ها در شاخص دسترسی به غذا را تعیین نماید تا راهنمایی برای سیاست‌گذاری و

سپس با استفاده از روش‌شناسی مورد استفاده در محاسبه فقر چند بعدی که به جزئیات آن در بخش روش‌شناسی اشاره شده است، یک شاخص واحد برای اندازه‌گیری سطح دسترسی به غذا و محاسبه سهم هر یک از مؤلفه‌های سه‌گانه آن ارائه شد.

برنامه‌ریزی هدفمند در این زمینه باشد. برای این منظور، ابتدا با مرور ادبیات و مطالعات انجام شده در این زمینه سه مؤلفه برای دسترسی به غذا (شامل دسترسی فیزیکی، دسترسی اقتصادی و پایداری یا تداوم در دسترسی) شناسایی شد، سپس برای هر یک از این مؤلفه‌ها بسته به مورد چند نشانگر تعریف (جدول ۱) و

جدول ۱. مؤلفه‌ها و نشانگرهای شاخص دسترسی به غذا\*

شاخص	مؤلفه	نشانگر	وزن نهایی
		تعداد منابع تأمین اقلام غذایی در دسترس خانواده (-)	۰/۰۶۶۷
		توان منابع موجود در تأمین اقلام غذایی مصرفی خانوار (-)	۰/۰۶۶۷
	دسترسی فیزیکی (۱،۳)	میزان تولید اقلام غذایی توسط خود خانوار (-)	۰/۰۶۶۷
		میزان اقلام غذایی مصرفی تهیه شده از خارج روستا (معکوس) (-)	۰/۰۶۶۷
		تعداد دفعات خروج از روستا برای تهیه اقلام غذایی (معکوس) (-)	۰/۰۶۶۷
		کفایت درآمد خانواده برای تأمین اقلام غذایی اصلی مورد نیاز (-)	۰/۰۶۶۷
		کفایت درآمد خانواده برای تأمین دیگر احتیاجات غذایی خانواده (-)	۰/۰۶۶۷
	دسترسی به غذا دسترسی اقتصادی (۱،۳)	میزان تأمین اقلام غذایی مورد نیاز خانواده از طریق استقراض (معکوس) (-)	۰/۰۶۶۷
		تأثیر نوسانات قیمتی بر توان تأمین مواد غذایی خانواده (معکوس) (-)	۰/۰۶۶۷
		دریافت کمک غذایی به دلیل مشکلات مالی (معکوس) (-)	۰/۰۶۶۷
		میزان در دسترس بودن اقلام غذایی در طول یکسال گذشته (-)	۰/۰۸۳۳
	تداوم دسترسی (۱،۳)	توان اقتصادی تأمین اقلام غذایی در طول یکسال گذشته (-)	۰/۰۸۳۳
		تأثیر نوسانات قیمت در تأمین اقلام غذایی در طول یکسال گذشته (معکوس) (-)	۰/۰۸۳۳
		فراوانی خروج از روستا برای تأمین غذا در طول یکسال گذشته (معکوس) (-)	۰/۰۸۳۳

\* اعداد داخل پرانتز وزن هر مؤلفه یا نشانگر هستند که بر اساس روش پیشنهادی آکابر و فوستر (۲۰۱۱) تعیین شده‌اند.

## مواد و روش‌ها

از لحاظ نوع هدف تحقیق، در گروه تحقیقات کاربردی جای می‌گیرد. همچنین این تحقیق از نظر شیوه جمع‌آوری داده‌ها در

پژوهش حاضر از نظر رویکرد نوعی تحقیق پیمایشی است و

شاخص سطح دسترسی به غذا به صورت زیر بهبود و توسعه داده شد. فرآیند محاسبه این شاخص به صورت زیر بود:

(۱) تعیین نشانگرهای ذیل هر مؤلفه و وزن دهی به آنها: برای تعیین نشانگرها از مرور ادبیات موضوع استفاده و در نهایت، ۱۴ نشانگر در قالب سه مؤلفه شناسایی و مورد استفاده قرار گرفتند. این نشانگرها با استفاده از ۲۶ متغیر در پرسشنامه مورد اندازه‌گیری قرار گرفتند. برای وزن دهی به مؤلفه‌ها و نشانگرهای تعیین شده برای سطح دسترسی به غذا از اصول و روش‌شناسی پیشنهادی آلکایر و فوستر (۲۰۱۱) برای محاسبه فقر چندبعدی استفاده شد. بر اساس این روش، برای مؤلفه‌های اصلی وزن یکسانی لحاظ می‌گردد به گونه‌ای که مجموع وزن آنها برابر با یک شود. به همین ترتیب برای نشانگرهای هر مؤلفه نیز وزن یکسانی لحاظ می‌گردد به گونه‌ای که مجموع وزن نشانگرهای هر مؤلفه نیز برابر با یک گردد. سپس از ضرب وزن مؤلفه در وزن نشانگر، وزن نهایی هر نشانگر به دست می‌آید به گونه‌ای که مجموع وزن تمام نشانگرها برابر با یک خواهد بود. مؤلفه‌ها، نشانگرها و وزن هر یک از آنها در جدول ۱ آمده است.

(۲) نرمال‌سازی و همسوسازی هر یک از نشانگرها: در این مرحله با توجه به مقیاس متفاوت سنجش برخی از نشانگرها ابتدا از طریق تقسیم مقدار هر نشانگر بر عدد حداکثری که در هر نشانگر ممکن است بدست آید، نشانگرهای مختلف رفع مقیاس شدند. سپس با توجه به آنکه برخی از نشانگرها در وضع موجود نشان دهنده وضعیت مطلوب سطح دسترسی و برخی نشان دهنده وضعیت نامطلوب سطح دسترسی خانوارها به غذا بودند، نشانگرهای ناهمسو از طریق کسر مقدار آنها از عدد یک، با دیگر نشانگرها همسو شدند.

(۳) محاسبه میزان دسترسی هر خانوار به غذا با استفاده از رابطه ۱، آلکایر و فوستر (۲۰۱۱):

$$AFH_i = \sum_{j=1}^m (w_j * d_{ij}) \quad (i = 1, 2, \dots, n) \quad (j = 1, 2, \dots, m) \quad (1)$$

که در اینجا  $AFH_i$  وضعیت دسترسی خانوار  $i$ ام به غذا،  $w_j$

گروه تحقیقات میدانی قرار می‌گیرد. جامعه آماری مورد مطالعه را کلیه خانوارهای روستایی دهستان شاور در شهرستان شوش از توابع استان خوزستان تشکیل می‌دهند که براساس سرشماری رسمی مرکز آمار ایران (۱۳۹۵)، این دهستان دارای ۲۶۲۴ خانوار می‌باشد. حجم نمونه با استفاده از نرم‌افزار Sample Power و با فرض دستیابی به سطح اطمینان ۹۵ درصد و توان آماری ۸۰ درصد در برآورد شاخص دسترسی به غذا و بر اساس میانگین و انحراف معیار حاصل از پیش‌آزمون ۳۰۰ خانوار برآورد شد. برای انتخاب نمونه‌ها از روش نمونه‌گیری طبقه‌ای با انتساب متناسب استفاده شد (معیار طبقه‌بندی جمعیت خانوارهای ساکن در هر روستا بود). داده‌های مورد استفاده در این تحقیق از نوع داده‌های اولیه بودند که با استفاده از ابزار پرسشنامه و به روش مصاحبه حضوری جمع‌آوری شدند. پرسشنامه تحقیق شامل ترکیبی از پرسشنامه محقق‌ساخته و پرسشنامه استاندارد USDA بود. برای تعیین اعتبار یا روایی ابزار اندازه‌گیری و اطمینان از صحت و دقت این ابزار، از اعتبار صوری استفاده شده است. بدین صورت که پس از طراحی و تنظیم پرسشنامه و قبل از استفاده از آن، پرسشنامه در اختیار اساتید و کارشناسان خبره قرار گرفت و پس از اعلام نظرات آنان، نکات لازم در پرسشنامه نهایی مورد توجه قرار گرفت و اصلاحات لازم اعمال شد. همچنین برای اطمینان از پایایی ابزار اندازه‌گیری از روش محاسبه ضریب آلفای کرونباخ استفاده شد. مقادیر این ضریب برای مؤلفه‌های دسترسی فیزیکی، اقتصادی و تداوم دسترسی به غذا به ترتیب برابر با ۰/۷۵، ۰/۸۸ و ۰/۷۳ بود که نشان می‌دهد ابزار اندازه‌گیری از اعتماد یا پایایی مناسبی برخوردار بوده است. برای اندازه‌گیری سطح دسترسی به غذا از اصول و روش‌شناسی پیشنهادی توسط آلکایر و فوستر<sup>۱</sup> (۲۰۱۱) برای محاسبه شاخص فقر چند بعدی استفاده شد. با این تفاوت که این روش‌شناسی برای محاسبه



و فوستر (۲۰۱۱).

$$AFI = H \cdot A \quad (۶)$$

مقدار این شاخص عددی بین صفر تا یک است. هر چه عدد به یک نزدیکتر باشد نشان دهنده دسترسی بیشتر به غذا بوده و اعداد کمتر به مفهوم محرومیت از دسترسی به غذا است (حد ۰/۳۳۳ به عنوان حد دسترسی نسبی و دسترسی نامناسب و حد ۰/۶۶۶ به عنوان حد دسترسی نسبی و دسترسی مناسب است).

(۷) محاسبه سهم هر یک از ابعاد سه گانه (C<sub>i</sub>) در مقدار کل شاخص دسترسی به غذا: که برای این منظور از رابطه (۷) استفاده شد آکایر و فوستر (۲۰۱۱).

$$C_k = \frac{\sum_{i=1}^n \sum_{j=1}^m (w_{ijk} \cdot d_{ijk} \cdot p_i \cdot q_i)}{P} \quad (k = E, P, S) \quad (۷)$$

که در این رابطه k نشان دهنده مؤلفه مربوطه بوده و برابر است با هر یک از مؤلفه‌های سه گانه دسترسی به غذا شامل اقتصادی (E)، فیزیکی (P) و تداوم (S). نشان دهنده وزن شاخص j ام در مؤلفه k ام، d<sub>ijk</sub> نشان دهنده وضعیت دسترسی خانواده i ام در شاخص j ام از مؤلفه k ام، p<sub>i</sub> عبارت است از تعداد جمعیت خانواده i ام و q<sub>i</sub> عبارت است از وضعیت خانواده i ام از نظر شاخص دسترسی به غذا.

## نتایج و بحث

### توصیف جامعه مورد مطالعه

در این پژوهش همانطور که پیش تر نیز اشاره شده، نمونه مورد مطالعه ۳۰۰ خانوار روستایی بودند که این تعداد از بین ۲۶۲۴ خانوار روستایی ساکن در ۱۳ روستای دهستان شاوور انتخاب شدند. یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که سرپرستی بخش عمده خانواده‌های مورد مطالعه (۸۰/۷ درصد) برعهده پدر خانواده بوده است و سرپرستی سایر خانوارها برعهده فردی به غیر از پدر (مادر، برادر، خواهر و عمو) بوده است. میانگین سنی پاسخگویان بیش از ۴۷ سال بوده، کم سن‌ترین

نشان دهنده وزن شاخص j ام، d<sub>ijk</sub> نشان دهنده وضعیت دسترسی خانوار i ام در شاخص j ام و زردیف شاخص مربوطه در جدول شاخص‌ها (بین ۱ تا m) می‌باشد. همچنین، حد نشان دهنده محروم بودن یا نبودن یک خانوار از دسترسی به غذا، بر اساس محرومیت از یک سوم از نشانگرها (مقادیر کمتر از ۰/۶۶۶) فرض شد.

(۴) محاسبه شاخص گستردگی دسترسی به غذا (H): که عبارت است از نسبت تعداد اعضای خانوارهای روستایی که از دسترسی به غذا برخوردار هستند (Q) به کل تعداد خانوارهای روستایی (P) مورد مطالعه. این مقدار با استفاده از رابطه ۲ محاسبه گردید، آکایر و فوستر (۲۰۱۱).

$$H = Q/P \quad (۲)$$

در اینجا Q و P به ترتیب از روابط (۳) و (۴) محاسبه گردید.

$$Q = \sum_{i=1}^n (p_i \cdot q_i) \quad (۳)$$

که در این رابطه q<sub>i</sub> وضعیت خانواده i ام از نظر شاخص دسترسی به غذا و p<sub>i</sub> تعداد افراد خانواده i ام است.

$$P = \sum_{i=1}^n p_i \quad (۴)$$

(۵) محاسبه شدت دسترسی به غذا (A): که عبارت است از

نسبت مجموع موزون امتیاز تعداد خانوارهایی که دسترسی به غذا دارند به تعداد کل خانوارهایی که از دسترسی به غذا برخوردار هستند. این مقدار با استفاده از رابطه ۵ محاسبه گردید، آکایر و فوستر (۲۰۱۱).

$$A = \frac{\sum_{i=1}^n (AFH_i \cdot p_i \cdot q_i)}{\sum_{i=1}^n (p_i \cdot q_i)} \quad (۵)$$

(۶) محاسبه شاخص دسترسی به غذا<sup>۲</sup> برای خانوارهای روستایی منطقه مورد مطالعه (AFI) با استفاده از رابطه ۶، آکایر

1- The intensity of access to food

2- Access to Food Index (AFI)

خانوارهای مورد مطالعه از سطح تحصیلات پایینی برخوردار هستند (بیسواد ۲۸/۷ درصد، ابتدایی ۲۲/۷ درصد، فوق دیپلم ۳/۷ درصد و لیسانس و بالاتر ۳/۷ درصد). همچنین، ۶۷ درصد از خانوارهای مورد مطالعه مالک منزل مسکونی خود هستند (جدول ۲).

فرد مورد مطالعه ۲۲ سال سن داشته و مسن‌ترین پاسخگو نیز ۸۳ سال سن داشته است. و افراد دارای ۴۰ سال بیشترین فراوانی را داشته‌اند. جنسیت ۹۰ درصد از سرپرستان خانوارهای مرد و تنها ۱۰ درصد زن بوده است. بیش از ۸۵ درصد سرپرستان متأهل و مابقی مجرد بوده‌اند. بررسی وضعیت تحصیلات سرپرست خانوار نشان داد که اغلب سرپرستان

جدول ۲. یافته‌های توصیفی مربوط به متغیرهای تحقیق

متغیر	توزیع فراوانی
سرپرستی خانوار	پدر (۸۰/۷ درصد) سایرین (۱۹/۳ درصد)
سن	میانگین سنی ۴۷ سال
جنسیت	مرد (۹۰ درصد) زن (۱۰ درصد)
وضعیت تأهل	مجرد (۱۵ درصد) متأهل (۸۵ درصد)
تحصیلات	بیسواد (۲۸/۷ درصد) ابتدایی (۲۲/۷ درصد) فوق دیپلم (۳/۷ درصد) لیسانس و بالاتر (۳/۷ درصد)
مالکیت منزل مسکونی	مالک منزل مسکونی (۶۷ درصد) منزل پدري (۲۳/۳ درصد) اجاره یا رهن (۹/۷ درصد)

منبع: یافته‌های تحقیق

تداوم دسترسی به غذا کمتر از دو بعد دیگر بوده، این بدان مفهوم است که خانوارهای مورد مطالعه هم از تداوم دسترسی کمتری به غذا برخوردار بوده و هم در این خصوص از وضعیت یکنواخت‌تری نسبت به دو بعد دسترسی فیزیکی و اقتصادی برخوردار بوده‌اند. البته، سهم بیشتر دو بعد اقتصادی (۳۶/۸) و تداوم دسترسی (۳۵/۳) به غذا نسبت به بعد دسترسی فیزیکی به غذا (۲۷/۹) در شاخص دسترسی به غذا به این مفهوم است که خانواده‌های دارای بعد بیشتر (پرجمعیت‌تر) دارای دسترسی اقتصادی و تداوم دسترسی بهتری به غذا بوده‌اند تا خانواده‌های کم‌جمعیت‌تر. این موضوع از طریق بررسی همبستگی بین بعد

### وضعیت دسترسی به غذا

نتایج این تحقیق نشان داد که در مجموع تنها ۲۲/۷ درصد از خانوارهای مورد مطالعه از سطح دسترسی مناسب به غذا برخوردار بوده، حدود ۶۸ درصد از دسترسی نسبی به غذا برخوردار بوده و مابقی جمعیت (نه درصد) نیز از سطح دسترسی ضعیفی به غذا برخوردار بوده‌اند (جدول ۳). همچنین، از میان ابعاد مختلف دسترسی به غذا، بعد تداوم در دسترسی به غذا از وضعیت نامطلوب‌تری برخوردار بوده است. این وضعیت بر اساس مقادیر میانگین، انحراف از معیار و سهم هر یک از ابعاد سه‌گانه مورد مطالعه در شاخص دسترسی به غذا (جدول ۴) نیز قابل تفسیر است. بر این اساس، میانگین و انحراف از معیار شاخص

اقتصادی و شاخص دسترسی کل همبستگی مثبت و معنی‌دار داشته و ارتباط آن با بعد تداوم دسترسی معنی‌دار نبوده است (جدول ۵).

خانواده با شاخص‌های دسترسی به غذا نیز قابل ملاحظه است. تحلیل همبستگی بین این متغیرها نشان داد که بعد خانواده از نظر آماری با دسترسی فیزیکی همبستگی منفی و با دسترسی

جدول ۳. توزیع فراوانی وضعیت دسترسی جامعه مورد مطالعه به غذا از ابعاد مختلف

نوع دسترسی*	وضعیت دسترسی		
	دسترس مناسب	دسترس نسبی	دسترس ضعیف
دسترس فیزیکی	۱۷٪	۵۰٪	۴۸٪
دسترس اقتصادی	۰٪	۵۶٪	۴۳٪
تداوم دسترسی	۰٪	۴۰٪	۵۹٪
دسترس کل	۲۲٪	۶۸٪	۹۰٪

\* لازم به توضیح است که مقدار شاخص گستردگی محرومیت از دسترسی به غذا (H) برابر ۰/۲۴۵، مقدار شدت محرومیت از دسترسی به غذا (A) برابر با ۰/۷۳۷ و در نهایت مقدار شاخص محرومیت از دسترسی به غذا (AFI) نیز ۰/۱۸۰ بدست آمد. منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۴. وضعیت آماره‌های مرکزیت و پراکندگی مربوط به جنبه‌های مختلف دسترسی به غذا

نوع دسترسی	آماره	
	میانگین	انحراف معیار
دسترس فیزیکی	۰/۳۶۱	۰/۱۱۵
دسترس اقتصادی	۰/۳۲۵	۰/۱۱۳
تداوم دسترسی	۰/۳۱۴	۰/۰۵۹
دسترس کل	۰/۵۴۶	۰/۱۵۱

منبع: یافته‌های تحقیق

جدول ۵. خروجی آزمون همبستگی پیرسون بین ابعاد مختلف دسترسی به غذا و بعد خانواده

تداوم دسترسی	دسترس اقتصادی	دسترس فیزیکی	دسترس کل	بند خانواده	
				Pearson Correlation	Sig. (2-tailed)
۰/۰۷۴	**۰/۱۸۳	**۰/۲۱۸-	**۰/۱۹۳	۰/۱۹۹	۰/۰۰۱
۰/۱۹۹	۰/۰۰۱	۰/۰۰۰	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱	۰/۰۰۱
۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	۳۰۰	N	۳۰۰

\*\* (Correlation is significant at the 0.01 level (2-tailed).

منبع: یافته‌های تحقیق

دیگر، ۷۵ درصد افراد جامعه به کمتر از دو سوم از نشانگرهای تعیین شده برای سنجش سطح دسترسی به غذا دسترسی داشته‌اند. شاخص شدت محرومیت از دسترسی به غذا (A35) نیز حاکی از آن است که در میان افرادی که از دسترسی مناسبی به غذا برخوردار بوده‌اند (یعنی ۲۵ درصد افراد جامعه) میزان برخورداری از شاخص‌های دسترسی به غذا حدود ۷۴ درصد بوده

وضعیت گستردگی و شدت محرومیت از دسترسی به غذا محاسبه شاخص گستردگی محرومیت از دسترسی به غذا، نشان داد که مقدار این شاخص در جامعه مورد مطالعه ۰/۲۴۵ است (H). این مقدار حاکی از آن است که در مجموع تنها حدود ۲۵ درصد از جمعیت موجود در خانوارهای روستایی در این دهستان از دسترسی مناسب به غذا برخوردار هستند. به عبارت

می‌باشد، همسو است.

بررسی هر یک از مؤلفه‌های دسترسی به غذا (جدول ۶) نشان داد که در موضوع دسترسی فیزیکی مشکل اصلی جوامع روستایی این است که علارغم تعدد و تنوع مراکز تأمین اقلام غذایی در سطح روستا و با وجود اینکه این مراکز و منابع اغلب مواد و اقلام غذایی مورد نیاز خانوارها را تأمین می‌نمایند، همچنان خانوارهای روستایی مجبور هستند که بخشی از اقلام غذایی مورد نیاز خود را، چه به علت تفاوت قیمت و چه به لحاظ تفاوت در کیفیت، از خارج از روستا تأمین نمایند. همچنین، فرهنگ مصرفی شهری به تدریج تأثیر خود را بر جامعه روستایی نیز گذاشته است. چرا که خانوارهای روستایی اکنون بخش قابل توجهی از اقلام غذایی مورد نیاز خانواده خود را، خود تولید نکرده بلکه از مراکز تأمین اقلام غذایی تهیه می‌کنند. این موضوع باعث شده که سطح دسترسی فیزیکی خانواده به اقلام غذایی در عمل کاهش پیدا نماید، وجود چنین مشکلاتی در دیگر مطالعات (سواری و همکاران، ۱۳۹۳؛ لین و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) نیز مورد تأکید قرار گرفته است. در خصوص مؤلفه دسترسی اقتصادی به غذا نیز اگر چه منابع مالی خانوارهای روستایی تا حدودی کفاف تأمین اقلام غذایی و ترجیحات غذایی اعضای خود را می‌دهد، اما نوسانات قیمت، دسترسی بخش بزرگی از خانوارهای روستایی به غذا را تحت تأثیر خود قرار می‌دهد. در نتیجه کنترل نوسانات قیمت اقلام غذایی باید به عنوان یکی از راهکارهای اصلی بهبود دسترسی به غذا که خود یکی از مؤلفه‌های اصلی تأمین امنیت غذایی است، باشد.

است (جدول ۳). در مجموع کمتر بودن شاخص گستردگی دسترسی به غذا، در مقایسه با شدت آن، نشان می‌دهد که میزان دسترسی به غذا در بین خانواده‌های پرجمعیت بهتر از خانواده‌های کم‌جمعیت بوده است. همان‌گونه که قبلاً اشاره شد این یافته با نتایج برخی از مطالعات (اصغریان دستتایی و همکاران ۱۳۹۲؛ آنژینو<sup>۱</sup>، ۲۰۱۶)؛ سواری و همکاران، ۱۳۹۳) که نشان دادند بعد خانواده بر ناامنی غذایی اثر مثبت دارد، ناهمسو است. البته، در این خصوص باید به دو مسئله توجه داشت. نخست اینکه در این مطالعه بر خلاف دیگر مطالعات، تمرکز بر دسترسی به غذا بوده (نه صرفاً ناامنی غذایی) و دیگر آنکه، این مطالعه به موضوع دسترسی به غذا از سه بعد مختلف پرداخته است که رابطه این ابعاد با بعد خانواده از جنبه فیزیکی منفی و از جنبه اقتصادی مثبت است. میزان شاخص دسترسی به غذا (AFI) برای جامعه مورد مطالعه برابر با ۰/۱۸۰ محاسبه شد. این عدد که خود حاصل ضرب شدت دسترسی به غذا در گستردگی آن است، نشان می‌دهد که تنها حدود ۱۸ درصد از افراد مورد مطالعه ساکن در خانوارهایی هستند که حداقل از حدود ۷۴ درصد از نشانگرهای چهارده‌گانه دسترسی به غذا برخوردار هستند. یافته‌های این تحقیق نشان داد که دسترسی فیزیکی نسبت به دو بعد اقتصادی و تداوم دسترسی، کمترین سهم (حدود ۲۸ درصد) را در شاخص دسترسی به غذا داشته است. به عبارت دیگر وضعیت نامطلوب شاخص دسترسی به غذا بیشتر متأثر از ابعاد اقتصادی و تداوم دسترسی است تا فیزیکی. این یافته‌ها با یافته‌های مطالعات انجام شده توسط رستمی و همکاران (۱۳۹۳) در کرمانشاه و سواری و همکاران (۱۳۹۳) در کردستان که نشان دادند دسترسی فیزیکی و اقتصادی نامناسب جامعه روستایی به مواد غذایی از جمله علل وضعیت نامطلوب امنیت غذایی در میان جوامع روستایی نسبت به جوامع شهری

جدول ۶. وضعیت شاخص‌های مختلف مربوط به سطح دسترسی به غذا و مؤلفه‌ها و نشانگرهای آن

شاخص	سهم مؤلفه	نشانگر	میانگین	انحراف معیار
دسترسی فیزیکی		تعداد منابع تأمین اقلام غذایی در دسترس خانواده	۰/۶۵۴	۰/۲۹۸
		توان منابع موجود در تأمین اقلام غذایی مصرفی خانوار	۰/۶۹۶	۰/۲۱۳
		میزان تولید اقلام غذایی توسط خود خانوار	۰/۲۳۶	۰/۲۱۷
		میزان اقلام غذایی مصرفی تهیه شده از خارج روستا (معکوس)	۰/۴۱۶	۰/۲۶۶
		تعداد دفعات خروج از روستا برای تهیه اقلام غذایی (معکوس)	۰/۸۱۶	۰/۱۵۲
دسترسی اقتصادی		کفایت درآمد خانواده برای تأمین اقلام غذایی اصلی مورد نیاز	۰/۴۲۲	۰/۲۳۷
		کفایت درآمد خانواده برای تأمین دیگر احتیاجات غذایی خانواده	۰/۶۳۱	۰/۳۱۵
		میزان تأمین اقلام غذایی مورد نیاز خانواده از طریق استقراض (معکوس)	۰/۷۱۳	۰/۳۳۴
		تأثیر نوسانات قیمتی بر توان تأمین مواد غذایی خانواده (معکوس)	۰/۲۴۶	۰/۲۷۲
		دریافت کمک غذایی به دلیل مشکلات مالی (معکوس)	۰/۷۳۸	۰/۳۱۴
تداوم دسترسی		میزان در دسترس بودن اقلام غذایی در طول یکسال گذشته	۰/۶۴۲	۰/۲۵۶
		توان اقتصادی تأمین اقلام غذایی در طول یکسال گذشته	۰/۵۴۰	۰/۳۱۳
		تأثیر نوسانات قیمت در تأمین اقلام غذایی در طول یکسال گذشته (معکوس)	۰/۴۹۵	۰/۳۳
		فراوانی خروج از روستا برای تأمین غذا در طول یکسال گذشته (معکوس)	۰/۴۲۴	۰/۲۳۱

منبع: یافته‌های تحقیق

در نهایت، یافته‌های حاصل از این مطالعه نشان داد که در طول یکسال، خانوارهای روستایی مجبور هستند برای تأمین برخی از اقلام غذایی مورد نیاز خود به خارج از روستا مراجعه نمایند. این خود نشان می‌دهد که مراکز تأمین اقلام غذایی موجود در روستا فاقد توان تأمین کلیه اقلام غذایی مورد نیاز جامعه محلی هستند. زیرساخت‌های تأمین و توزیع اقلام غذایی به صورت مناسب و یکنواخت توسعه نیافته و در نتیجه مراکز تأمین و عرضه اقلام غذایی در سطح مناطق روستایی، با چالش جدی در زمینه برآورده نمودن نیازها و ترجیحات غذایی خانوارهای ساکن در جامعه محلی روبرو هستند. وجود چنین مشکلاتی در مطالعات محققانی از جمله مطالعه (اکپالو و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۸) نیز اشاره شده است.

به طور کلی این مطالعه نشان داد که وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در سطح دهستان شاورر چندان

مطلوب نیست و وضعیت دسترسی به غذا از جنبه‌های مختلف دارای مشکل است. در حوزه دسترسی فیزیکی یکی از مشکلات اصلی در این دهستان به ویژه عدم توان یا تمایل خانوارهای روستایی به تولید بخشی از اقلام غذایی مورد نیاز خانواده خود است. بدون شک ترویج آداب و رسوم سنتی در این زمینه و آموزش مهارت‌های مدیریت خانواده در راستای تولید و پرورش برخی از گونه‌های گیاهی و جانوری در سطح خانواده، می‌تواند هم به کاهش هزینه‌های خانوارها و هم به بهبود سطح دسترسی خانوارها به اقلام غذایی کمک نماید. در حوزه دسترسی اقتصادی و تداوم دسترسی نیز، با توجه به اثرپذیری دسترسی به غذا در سطح خانوارهای روستایی از نوسانات قیمت، در کنار کنترل نوسانات قیمت از طرف دولت، ترویج فرهنگ پس‌انداز و تولید برای خودمصرفی نه تنها می‌تواند به مدیریت بهتر این نوسانات کمک نماید، بلکه این اقدام می‌تواند به بهبود سطح دسترسی اقتصادی و تداوم دسترسی خانوارهای روستایی به غذا منجر شود که در نتیجه آن به دستیابی به امنیت غذایی کمک

شایانی خواهد شد.

## نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مسئله دسترسی به غذا به عنوان یکی از ارکان مهم و کلیدی امنیت غذایی به شمار می‌آید که از دهه ۱۹۷۰ میلادی تاکنون مورد توجه دولتمردان و برنامه‌ریزان واقع گردیده و تحقیقات زیادی در مناطق مختلف جهان جهت بهبود آن به ویژه در کشورهای در حال توسعه انجام شده است. اما با وجود تلاش‌های انجام شده هنوز هم مسئله امنیت غذایی و دسترسی به غذا در بسیاری از نقاط جهان و به ویژه در مناطق روستایی کشورهای در حال توسعه به عنوان یکی از مسائل و چالش‌های مهم به شما می‌رود. لذا، در این پژوهش سعی شد به ارزیابی سطح دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در دهستان شاورور واقع در شهرستان شوش پرداخته شود. برای این منظور با بهره‌گیری از رویکرد مورد استفاده در محاسبه شاخص فقر چند بعدی، شاخصی ترکیبی (AFI) برای ارزیابی سطح دسترسی خانوارهای روستایی به غذا ارائه گردید. این شاخص از دو بخش اصلی شامل گستردگی (H) و شدت دسترسی به غذا (A) برخوردار بود. این شاخص همچنین کمک نمود تا وضعیت دسترسی به غذا در سطح خانوار از سه منظر دسترسی فیزیکی، اقتصادی و تداوم دسترسی مورد ارزیابی قرار گیرد. گذشته از این، استفاده از رویکرد محاسبه فقر چند بعدی در محاسبه شاخص دسترسی به غذا کمک نمود تا بعد خانواده به عنوان یک فاکتور مهم در محاسبه وضعیت امنیت غذایی مورد توجه قرار گیرد. یافته‌های حاصل از این تحقیق نشان داد که وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا در منطقه مورد مطالعه چندان مطلوب نبوده و به ویژه از ابعاد اقتصادی و تداوم دسترسی بیشتر متأثر است. همچنین، این مطالعه نشان داد که در مجموع تنها در حدود ۲۳ درصد از خانوارهای مورد مطالعه از دسترسی مناسب به غذا برخوردار بوده‌اند. گذشته از مشکلات اقتصادی نظیر کمی درآمد و نوسانات قیمت، که منجر به عدم دسترسی

اقتصادی مناسب و تداوم دسترسی به غذا شده است، ضعف امکانات و زیرساخت‌های جاده‌ای و مراکز عرضه مواد غذایی در روستاهای این دهستان نیز از وضعیت مطلوبی برخوردار نیست و روستاییان مجبورند در طول سال جهت تأمین برخی از اقلام غذایی مورد نیاز خود به خارج از روستا مراجعه نمایند. البته این مشکل در برخی دیگر از نواحی روستایی ایران از جمله دیواندره (سواری و همکاران، ۱۳۹۳) و خارج از ایران نظیر ایالات متحده آمریکا (لین و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۱۴)، جنوب نیجریه (زاگری و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۱۴) و منطقه دالیان چین (سونگ و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۱۹) نیز گزارش شده است.

از آنجا که امنیت غذایی یکی از ارکان اصلی دستیابی به توسعه به ویژه در سطح جوامع روستایی است، لازم است وضعیت دسترسی خانوارهای روستایی به غذا که یکی از تعیین‌کننده‌های اصلی امنیت غذایی است مورد توجه جدی قرار گیرد. تحقیق حاضر در راستای همین هدف راهکارهای زیر را جهت بهبود سطح دسترسی خانوارهای روستایی به غذا پیشنهاد می‌کند. بدون شک در نظر گرفتن این راهکارها می‌تواند به برنامه‌ریزان و سیاست‌گذاران حوزه توسعه روستایی در دستیابی به توسعه پایدار کمک شایانی نماید:

۱- یافته‌های این تحقیق نشان داد که دسترسی فیزیکی خانوارهای روستایی به غذا هم به دلیل ضعف امکانات و زیرساخت‌های عرضه اقلام غذایی و هم به دلیل گسترش فرهنگ مصرفی و بی‌توجهی به فرهنگ خودتولیدی در میان جامعه روستایی است. در نتیجه، لازم است از یک سو با توانمندسازی خانوارهای روستایی و فرهنگ‌سازی مناسب زمینه‌ها و انگیزه‌های لازم برای خودتولیدی بخشی از اقلام غذایی مورد نیاز خانوارهای روستایی فراهم گردد و از سوی

1- Lin

2- Zakari

3- Song

دیگر نسبت به بهبود و گسترش کمی و کیفی مراکز عرضه و تأمین اقلام غذایی در سطح جامعه روستایی اقدام شود. در این خصوص گسترش زیرساخت‌های اطلاعاتی و ارتباطی، می‌تواند امکان ارائه خدمات به مراکز روستایی از طریق پلتفرم‌های آنلاین تأمین اقلام غذایی را فراهم آورد تا خانوارهای روستایی نیز همانند خانوارهای شهری از این قبیل امکانات برخوردار گردند. بدون شک این اقدام، علاوه بر گسترش دامنه انتخاب اقلام غذایی برای خانوارهای روستایی، از طریق حذف واسطه‌ها، می‌تواند زمینه دستیابی این گروه از مردم به اقلام غذایی مورد نیاز خود با قیمت پایین‌تر و دامنه انتخاب گسترده‌تر را فراهم نماید. این اقدام با فراهم نمودن امکانات رفاهی بیشتر برای جامعه روستایی، به کاهش تمایل ساکنین جوامع روستایی به مهاجرت نیز کمک خواهد نمود.

۲- یافته‌های تحقیق نشان داد که دسترسی خانوارهای مورد مطالعه به غذا در طول یکسال منتهی به مطالعه از تداوم برخوردار نبوده است. در این خصوص لازم است با برپایی یکسری دوره‌ها و کارگاه‌های آموزشی، به ویژه برای زنان روستایی که نقش بیشتری در مدیریت خانواده و تغذیه افراد آن برعهده دارند، روش‌های مدیریت تغذیه و مالی خانواده را به این گروه از جامعه روستایی آموزش داد تا آنها بتوانند هم بخش کوچکی از درآمد خود را برای مواجهه با این قبیل مشکلات پس‌اندار نمایند و هم شیوه‌های مناسب نگهداری و انبارداری اقلام غذایی مختلف نظیر خشک کردن، کنسرو کردن، کمپود کردن، دود دادن، نمک اندود کردن و غیره را فرا گیرند تا بتوانند در زمان وفور اقلام مختلف آنها را تهیه و به شکل مناسب برای ایام کمیابی این اقلام ذخیره و استفاده نمایند.

۳- یافته‌های این تحقیق نشان داد که منابع درآمدی

خانوارهای روستایی در منطقه مورد مطالعه از تنوع اندکی برخوردار است، لذا پیشنهاد می‌گردد از طریق توسعه زنجیره‌های ارزش و تأمین کشاورزی و صنایع روستایی، زمینه و بستر لازم جهت تنوع بخشی به مشاغل و منابع درآمدی روستاییان فراهم گردد. بدون شک تنوع منابع درآمدی یکی از راهکارهای کاهش نوسانات درآمدی خانوارهای روستایی است. این مسئله هم مستلزم توجه مسئولین و سیاست‌گذاران محلی و هم مستلزم توجه جامعه محلی است. بدون شک توسعه مشاغل غیرکشاورزی در کنار کشاورزی می‌تواند زمینه‌ساز افزایش رفاه خانوارهای روستایی و در نتیجه آن دستیابی به توسعه جامعه روستایی شود.

۴- یافته‌های تحقیق نشان داد که اغلب خانوارهای روستایی همچنان به کار کشاورزی مشغول هستند و کشاورزی به عنوان منبع اصلی تأمین درآمد آنها است. لذا، لازم است به این بخش حیاتی از اقتصاد روستا که نقش مهمی در تأمین امنیت غذایی و دسترسی خانوارهای روستایی و شهری به غذا دارد، توجه ویژه مبذول شود. در این زمینه اتخاذ سیاست‌ها و اقداماتی نظیر تأمین نهاده‌های کشاورزی، توسعه تضمین خرید محصولات کشاورزی، تقویت شبکه‌های بازاریابی نوظهور (برخط و موبایل پایه)، گسترش بیمه محصولات کشاورزی و غیره، می‌تواند به توسعه پایدار این بخش از اقتصاد روستا کمک نماید. این کار منجر به توسعه فرصت‌های شغلی در بخش کشاورزی، کنترل مهاجرت از روستا (به ویژه مهاجرت جوانان به شهر)، افزایش انگیزه فعالیت در بخش کشاورزی و در نتیجه آنها افزایش درآمدهای حاصل از کشاورزی و بهبود سطح دسترسی خانوارهای روستایی به غذا و در نهایت بهبود امنیت غذایی خواهد شد.

## منابع

- اصغریان دستنایی، ا.، کرمی، ع. و کشاورز، م. ۱۳۹۲. تعیین‌کننده‌های امنیت غذایی خانوارهای روستایی. اقتصاد کشاورزی، ۷ (۱): ۷۸-۱۰۹.
- پاکروان چروده، م.، حسینی، ص. و نوری نائینی، س. ۱۳۹۹. شناسایی عوامل اقتصادی-اجتماعی مرتبط با امنیت غذایی خانوارهای ناطق شهری و روستایی استان خوزستان. فصلنامه علمی پژوهش‌های اقتصادی ایران، ۵ (۸۳): ۱۳۶-۱۱۳.
- پاکروان، م.، حسینی، ص.، حبیب‌الله. و یزدانی، س. ۱۳۹۴. شناسایی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای شهری و روستایی ایران. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۴ (۳): ۳۹۵-۴۰۸.
- پورقاسمی، ف.، پورجاوید، س. و علی بیگی، ا. ۱۳۹۲. بررسی عوامل مؤثر بر تغذیه روستاییان شهرستان کرمانشاه. پژوهش‌های روستایی، ۴ (۲): ۳۴۷-۳۶۴.
- تنهایی، م.، زارع، ا.، شیرانی‌بیدآبادی، ف. و رامتین، ج. ۱۳۹۴. بررسی وضعیت امنیت غذایی با استفاده از شاخص تنوع غذایی: مطالعه موردی مناطق روستایی شهرستان مرودشت. روستا و توسعه، ۱۸ (۴): ۱۷-۳۵.
- جمینی، داوود، امینی، ع.، قدرمرزی، ح. و توکلی، ج. ۱۳۹۶. سنجش امنیت غذایی و واکاوی چالش‌های آن در مناطق روستایی مطالعه موردی: دهستان بدر، شهرستان روانسر، فصلنامه برنامه‌ریزی منطقه‌ای، ۷ (۲۷): ۱۰۲-۸۷.
- چراغی، م.، قدیری معصوم، م. و رضوانی، م. ۱۳۹۵. نقش درآمدهای غیرکشاورزی در امنیت غذایی خانوارهای روستایی. مجله علوم غذایی و تغذیه، ۱۳ (۵۲): ۷۱-۷۸.
- حمزه، ش. و دماری، ب. ۱۳۹۶. مدل مفهومی امنیت غذایی و تغذیه در ایران، مجله مرکز تحقیقات و عوامل اجتماعی مؤثر بر سلامت، ۴ (۳): ۲۲۸-۲۳۸.
- حسینی، ص.، پاکروان، م. و انقابی، م. ۱۳۹۲. اثر حمایت از بخش کشاورزی بر امنیت غذایی در ایران، تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۴ (۴): ۵۳۳-۵۴۴.
- رستمی، ف.، شاهمادی، م. و بقایی، س. ۱۳۹۳. بررسی عوامل مؤثر بر امنیت غذایی خانوارهای روستایی مورد مطالعه: روستای کرناچی، شهرستان کرمانشاه. تحقیقات اقتصاد و توسعه کشاورزی ایران، ۴۵ (۴): ۷۲۵-۷۳۷.
- رحیمی مقدم، س.، مهدوی دامغانی، ع.، اکبرپور، م.، سجادیان، م. و رفیعی صدر، ن. ۱۳۹۴. بررسی وضعیت امنیت غذایی در شهرستان پلدختر. مجله کشاورزی و بوم‌شناختی، ۵ (۲): ۸۹-۹۷.
- سواری، م.، شعبانعلی فمی، ح. و دانشور عامری، ژ. ۱۳۹۳. امنیت غذایی و عوامل مؤثر بر آن در جامعه روستایی شهرستان دیواندره، پژوهش‌های روستایی، ۵ (۲): ۳۱۱-۳۳۲.
- کوهی، ک. ۱۳۹۳. ناامنی غذایی و سرمایه اجتماعی. فصلنامه اخلاق زیستی، ۴ (۱۱): ۱۹۲-۱۶۱.
- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۵. سرشماری عمومی نفوس و مسکن ایران سال ۱۳۹۵. قابل دسترسی در <https://www.amar.org.ir>
- هاشمی تبار، م.، اکبری، ا. و درینی، مهسا. ۱۳۹۷. تحلیل عوامل مؤثر بر امنیت غذایی در نواحی روستایی جنوب استان کرمان. فصلنامه اقتصاد و توسعه روستایی، ۷ (۲): ۱-۱۸.
- Akpalu, W., Christian, A. and Codjoe, S. N. 2018. Food access and subjective welfare in a developing country. *Journal of Behavioral and Experimental Economics*, 37: 34-39.
- Alkire, S. and Foster, J. 2011. Counting and multidimensional poverty measurement. *Journal of public economics*, 95(7-8): 476-487.



- China, 1980–2017. *Environmental Science and Pollution Research*, 29, 6511-6525. doi.org/10.1007/s11356-021-16125-1
- Lin, B. H., Ploeg, M. V., Kasteridis, P. and Yen, S. 2014. The roles of food prices and food access in determining food purchases of low-income households. *Journal of Policy Modeling*, 36 (5), 938-952.
- Nord, M., Coleman-Jensen, A., Andrews, M. and Carlson, S. 2009. Household Food Security in the United States 2009. U.S. Dept. of Agriculture, Econ. Res. Serv. November 2010.
- Sinylo, S., Mudhara, M. and Wale, E. 2014. Water security and rural household food security: empirical evidence from the Mzinyathi district in South Africa, *Food Sec.* 6: 483-499.
- Song, J. G., Semakula, H. M., Dou, Y. and Zhang, Sh. 2019. Food access inequalities in Chinese urban neighborhoods: a case study of the Dalian development zone. *Food Security*, 11, 1087-1099. Doi. org/10.1007/s12571-019-00963-6.
- Zakari, S., Ying, L. and Song, B. 2014. Factors influencing household Food Security in West Africa: The case of Southern Niger. *Sustainability*, 6 (3), 1191-1202.
- Anjeinu abu, G. 2016. Analysis of Factors affecting Security in Rural and Urban Farming Households of Benue State Nigeria. *International Journal of Food Agricultural Economics*. 4 (1):55-68.
- Bashir, M. K., Schilizzi, S. and Pandit, R. 2012. The determinants of rural household food security in the Punjab, Pakistan: an econometric analysis. Working Paperr No. 122526, School of Agricultural and Resource Economics, University of Western Australia, Crawley, Australia.
- Dehghan, A. R., Boshrabadi, H. M., & Esfandabadi, S. A. J. 2021. A study on Food Security of Rural Households in Iran and Its Effective Socio-economic Factors. *Pulse*, 26, 91.
- FAO. 2014. Report on use of the household insecurity access scale and household dietary diversity score in tow survey rounds in Manica and Sofala provinces, Mozambique, 2006-2007. Version 2 (FAO food security project GCP/MOZ/079/BEL).
- Furong, L., Longyun, D., Zhengtao, Z., Zheyue, W., Quanyuan, W., & Jianmin, Q. 2022. Multiscale analysis of factors affecting food security in